

حقیقت

شماره ۱۱۵ ۱۷ فروردین ۱۳۵۰

بررسی اجمالی "آموزه کارتر" درباره "امنیت" خلیج فارس

جهان در دهه گذشته تا - اشغال نظامی کشورها توسط
 هدا فراتر شدن پرچم های - لوی استوار "ملح" و "سویا -
 کونا گونی توسط قدرتهای - لیم" و غیره، همگی علیرغم
 نالی بین المللی بوده است. - ظهران در اساس با ماهیت
 جنجال های تبلیغاتی ایر - سیطره جویانه این قدرتها
 قدرتها در مورد "مذاکرات - عین شده است.
 محدود نمودن سلاح های استوار - این قدرتها
 تزیک " و فریادهای آنان در - علیرغم کلیه این پرچم فراری
 مورد تقلیل نیروی نظامی در - ها در تمام مقاطع زمانی چهره
 اروپا، و برافراشتن پرچم های - جنگ طلبانه و سیطره جویانه
 "احترام" به حقوق بشر و - (بقیه در صفحه ۳)

سرمقاله

معنای حکومت قانون اساسی

اساسی است. شورای
 نگهبان در مقابل
 دویست رای در مجلس
 رایش قاطع است.
 یعنی اکثریت است
 مجلس مطالبی را گفتند
 شورای نگهبان تشخیص
 داد مخالف قانون
 اساسی است، طبق خود
 بقیه در صفحه ۲

در مراسم نماز جمعه اخیر
 تهران (۷ فروردین) حضرت
 الاسلام سانی عضو شورای نگهبان
 بعنوان سخنران پیش از
 خطبه های نماز جمعه تهران
 سخن گفت. وی در پایان سخن
 رانی خویش "در رابطه با این
 که چه کسی باید قانون اساسی
 را بفهمد" گفت:
 "همه میگوئیم به قانون
 اساسی باید عمل کرد،
 اما هم فرموده اند
 حکومت مان قانون
 اساسی است، یعنی
 مال ملت است. اما من
 فکر میکنم شما هم اگر به
 اصول قانون اساسی
 مراجعه کنید تنها نظری
 که میتوان حاکم قرار
 دهیم، نظریه شورای
 نگهبان است. چون
 شورای نگهبان در قان
 ون اساسی قدا سبت
 دارد. شورای نگهبان
 در قانون اساسی
 تعیین کننده کاندید
 های ریاست جمهوری در
 دوره های بعد است. در
 دوره های قبل، با امام
 و در دوره های بعد شورای
 نگهبان است. نظارت
 بر انتخابات مجلس،
 نظارت بر انتخابات
 ریاست جمهوری، شورای
 نگهبان مفسر قانون

این هیئت ها چرا آمده اند؟

با ردیکر هیئت های
 میانجی گری راهی تهران و
 بغداد میشوند، هم اکنون هیئتی
 از جانب "کنفرانس اسلامی"
 طائف در تهران هستند و بیسه
 دنبال آنها هم تورا است
 گروهی از جانب کنفرانس غیر-
 متعهد ها و همچنین اولاد پالعه
 با سردمداران دولتی جمهوری
 اسلامی به مذاکره بپردازند.
 در شرایطی که در ذمه قول
 (بقیه در صفحه ۵)

"آخالگری" کارگران مبارز قرقه زیبا در برابر استثمار و زورگویی

صفحه ۷

گزارشی
 درباره
 جنگزدگان
 خوزستانی

قاسم لو خود را لو میدهد!

صفحه ۱۸

اطلاعیه درباره مبارزات
 ضد فئودالی دهقانان
 روستای جوکنک - رامهرمز

صفحه ۱۴

در
 شاهیندژ

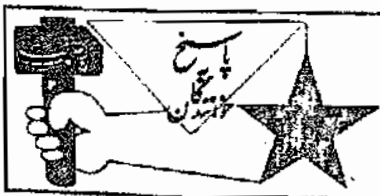
صفحه ۱۱

اوجگیری بحران لهستان

صفحه ۱۸

افشاگری يك کارگر
 درباره مدیران و
 سرمایه داران ضد
 انقلابی که از
 رفتن کارگران به
 جبهه های جنگ
 جلوگیری میکنند

صفحه ۸



صفحات ۱۰ و ۹

گزارشی از تظاهرات
 بیستم اسفند در اصفهان
 علیه حزب

صفحه ۱۸

معنای حکومت قانون اساسی

بقیه از صفحه اول
 قانون اساسی رد می شود. من فکر میکنم اکثر بخواهیم اختلاف بینشها کنار برود و اگر بخواهیم پیام امام مپیاده شود، باید برگردیم به شورای نگهبان، مسئولیت را بعهده آنها قرار بدهیم که قانون اساسی هم قرار داده که یکوقتست خدای ناکرده یکی از ماها در آنحراق قرار بگیریم."
 (به نقل از "جمهوری اسلامی" - ۸ فروردین ۶۰) سخنان بالا عماره تما - ایلات استبدادی حاکم بر سیاست ایران است، حجت الاسلام ما نمی در اینجا حرف دل تما - دستیجات هوا دار استبداد را، که برای رای و نظرتوده های ملت پشیزی ارزش قابل نیستند، به کوتاهی و گویاشی بیساز داشته است.
 طبق گفته این عضو شورای نگهبان، رای رای ملت نیست! میزان، رای ملت نیست! میزان، رای "شورای نگهبان" است! میزان، شورای چند نفره ای است که نه هیچیک از عناصر آن از متن انقلاط مردم برخاسته و به ناسب رسیده اند، و نه طی هیچ مراسمی بهای ملت گذارده شده و توسط مردم انتخاب شده اند. طبق گفته ما نمی این افراد، ایس چند نفر آدم مجبور الیویسه (مجهول الهویه در انقلاب مردم) این چند نفر آدم غیر منتخب

(غیر منتخب هیچ بحی از مردم) تعیین کننده همه چیز کشورند. همه کاره اند! رای آنها سر همه امور حاکم است، اعضای این شورا خود حق میدهد که تا مردهای ریاست جمهوری را بدخواه تعیین کنند؛ طبق میل و سلیقه، خویش به نفس سر قانون اساسی بنشینند؛ اکثر بخواهند رای اکثریت نمایسد. کتان مجلس را ساقل کنند، و حتی درباره "اختلاف پیشها" در دولت، و جا مده حکم ما در کنند. ما قتل در اینجا کاری به محتوای قانون اساسی ندلی و چگونگی قضیه و ترتیب مجلس ما فرودیکر مسائل مربوطه ندا ریم، گفتنی درباره آنها بسیار است، ولی سگفتا که آقای ما نمی چه از خود رای خوبستن و چندتن همکاران خوبستن را حاکم و فرما تر و رای کشور صرف کرده و حتی به این حاکمیت و فرما سروا شی گروه چند نفره خود جنبه "قداست" میدهند! جنبه تقاوتی است میان این "قداست" و سلطنت مقدسه! این مطلبی است که جدا با بدکار رگران ما، توده های ستمدیده، ملت ما و هر آدم بسا انصاف و با شرفی رای به فکر فرو برده و به اندیشه وادارد. با بد از خود پرسید، با بد از خود پرسند که: عجبا! این آنا بیان از کجا آمده اند و این حضرات دیگر چه میخواهند؟ طلب اینها دینتر از ملت ما چیست، که طاعی ما رفتند و یا غی ها آمدند! البته روشن است که ما نمی این حرفها را در ارتباطا طام "پیام امام" میزد، متابوری از پیام امام ما این نگه از بیابا سیه، اما مدرسه ۲۵ اسفند سال گذشته است که "هیئت" مرکب از یک نماینده از طرف رئیس جمهور و یکی از طرف دیگر و یکی از سوی اینجانب" بایست تعیین شود و "مسائل جنگ و سا سر مسائل صورا اختلاف، من معا مات جمهوری اسلامی" ما طسو حاکم باشد، بمعنا رت دیگر طبق

سیاسیه داده برای ایس هیئت به نفی سر همه امور کشور جاری و سر رای همه معا - مات جمهوری اسلامی سر سر دارد، ولی ما سعی بر آنست که "اگر بخواهیم پیام امام مپیاده شود، باید برگردیم به شورای نگهبان" و "مشولسترا بعهده آنها" یعنی بعهده اعضای شورای نگهبان "قرار بددیم که قانون اساسی هم قرار داده"
 معنای اینها اینست که عنوان بگ نگهبان قانون اساسی و طبق حکم قانون اساسی حکم ما مراد درباره "تشکیکات هیئت به نفی" و قطعیت رای این هیئت ردمیکد و طبق قانون مسئولیت را که به این هیئت واگذار شده از آن شورای نگهبان می شمارد!
 البته برای کسی که معا - نمی را می شناسد، برای کسی که ما نمی و همکارانش را می شناسد، اعضای شورای نگهبان را می - شناسد و به آراء این شورا در باره "بسیاری از لویایح و مواد قانون اساسی آگاه می دارد، هیچ روشی است که حرف ما نمی حرف "خوف دیگر" است. هر ف حزب جمهوری اسلامی و سران این حزب است، مخالفست تلویحی ما نمی با تشکیکات و بنش و وظیفه "هیئت به نفی" و علم شدن شورای نگهبان در سر ایس هیئت توسط ایسان طبعاً بمعنای آنست که حزب و رهبران ما تشکیک هیئت پیدا شده و نقش و وظیفه ای که بمان داده شده مخالفت داشته و در استقرار حاکمیت، طلقه حسود بر امور کشور صرا دارند. حالا بنام "شورای نگهبان" در ایس هیئت به نفی بینه نیا دی امام یعنی حاکمان را از نفس و برد عملی آن در تمام پیش این شریه بیان کرده ام. ایس اقدام که سخته دیگر از "میتان وحدت" های گذشته است، همانست آن میثاق ها نه میتراند است

اختلافات و کما گنای میان حاکمان و مقامات این جمهوری با بیان دهد و به آنگه در ایس مردم را سست به وعده و عهد - ها نش که در این سست شدن هر یک از این میثاق ها در میان مردم بر آورده میسود جلب کرداند و آتش حتم مردم را سست سست استمداد و استمداد طبقی سر نشانند. این میثاق "به نفی" هم ما سست میثاق های گذشته میثاق های بیان دوجنگ است و ما سست و معات فصل هم بسد دور شدیدتری از اختلافات و کما گنای در آن بالا خواهدانجا میدویم به دور شدیدتری از جنبش وجودش خدا شنیدای در این پاشن یعنی مخالفت و مبارزه مردم با حاکمان جدید حکومت مطلقه و تسلیم طبقی ملی خواهد با داد، بهر حال کارگران و همه عنا صر شریف جا معه، که حاضر به ما زنی بر سر حقوق و دستاوردهای سه بنما برده شده، انقلاب خویش شمیا شد، هرگز تن بد جنبش میثاق ها نش نمی دهند و دنیا بد هم بدهند، حربی ما و همیا لگی ما پیشان یعنی دار و دسته وایان جنا پتکار در قاسدی که تحت لرای جدید راه شاه معدوم را میروند با بیسند بیروند، و روانده خود هاندند.
 اما جالب اینست که اینبار دوهفته هم نگذشت که از طریق آقای حجت الاسلام ما نمی حکم بطلان این میثاق اخیر هم ما در شد، نظر ما نمی سستوان یک آدم حرف، منجوس و رهبران نش یعنی مخالفت ایشان با حکم اما موهبایات به نفی پیشها دی ایشان خلیج واذح است: هیات به نفی" سه طوفیانه از سست دو طرفه و سخته (ا) سرود و شورای نگهبان یک طرفه یعنی هیئت گد معیا رسان رسان ایس سال شها "یک طرفه" یعنی طرف حرفی ها و مقامات به شروعه کس ما نیست، پیاسد، سا بدو سس و وظیفه حکمیت در همه چیز و حاکمیت سر و چیز همه کس را بعد در صفحه ۱۳

پرسی اجمالی
"آموزه کارتنر"

بقیه از صفحه ۲
 این پایگاه ها که بطور معمول مورد استفاده آمریکا قرار داشته و تجهیزات آن نیز بهمین منظور مدرن شده است، طبق ارزیابی برنامه ریزان نظامی آمریکا از محل "توسوع حادش" دور بوده (اشاره به بندرمومسا) در نتیجه چندین جذاب نمیشد.

ج- پایگاه دریائی بربره در سومالی

آمریکا برای دستیابی باین پایگاه با کشور سومالی وارد مذاکره شده است. این پایگاه که در محدوده فعالیت مورد نیاز "نیروی سریع نظامی" آمریکا قرار دارد یکی از چشم اندازهای مناسب استراتژی نظامی این آموزه محسوب می شود. چرا که اولاً این بندر مجهر در محدوده عملیات بوده و ثانیاً تجهیزات مدرن آن از دولت بر روسها (قبلاً شوروی) از ایمن پایگاه استفاده میکرد!! کلاً قابل بهره برداری میباشد. لیکن بکارگیری این پایگاه نیز برای آمریکا بدون دردسر نمیشد زیرا حضور نظامی آمریکا در سومالی بدون تکمیل عمل کنیا که با سومالی دارای اختلافاتی است، نخواهد بود.

د- پایگاه های عمان

با آنچه درباره پایگاه های مورد نیاز آمریکا گفته شد، عمان هم نظر واهم است. نظر استراتژیست (نظامی) در موقعیتی قرار گرفته که بهترین

خدمات را بپسواندند "نیروی سریع نظامی" آمریکا باشد. شاید در برنوی این مونیست آمریکا به پایگاه های مهمی در این کشور دست یافد است که از آن جمله میتوان در احبار کومس پایگاه هوائی در حریبه مصره و دو بندر هاسوسو و رای عوب (RASULT) را نام برد. فعالیتهای وسیع آمریکا در گسترش پایگاه هوائی مصره یکی از اقدامات مهم و عملی در خدمت همان استراتژی کلی "نیروی نظامی سریع" میباشد. برای تعمیق بر روی خود از این موضوع به تشریح نظریه هم پیمانان آمریکا را نیسر در مورد این طرح به بررسی بگذاریم:

الف- کشورهای عضو ناتو (اروپا)

کشورهای عضو ناتو، مقوله امنیت خلیج فارس و منطقه، خاور میانه را بیشتر در برنوتوسعه و تقویت مدون سازی قوای پیمان ناتو اروپایی میکنند. این کشورها با ارسال نیروی وسیع دریایی خود منطقه اضا نوس هندو دریای عمان و عملاً حواستار آن هستند که خود سونومی در منطقه حضور داشته و کل منطقه را برای رفاهت های آمریکا روسیه خالی نگذارند. تلاوه بر این آنها از معطوف شدن نظر آمریکا به منطقه خالی شدن پشت خود از طرف آمریکا است. در هر اس بوده و عملاً خواستار آن میباشد که از طریق تقویت ناتو هم دفاع اروپا را محکم سازند و هم در منطقه مطور مشترک حضور داشته باشند.

ب- مصر- اسرائیل

مصر با اقدامات خود در وانه خویش با آغوش باز به استقبال طرح جدید آمریکا رفته و رسماً اعلام نموده آماده است تا در کلیه زمینه ها با

آمریکا همکاری نماید. "فد" موسس را سردار است. سرسردتی، در ما سورف های مشوک اخیراً آمریکا وارد کردن مساران نظامی آمریکا بی نشان داده است. لسکن برخلاف مصر، اسرائیل در مورد موافقت آمریکا بدون این آموزه از خود او کمین معنی نشان داده و در فواصل طسرح کارتر، طرح اتحاد منظم منطقه ای خاصی را مسمی سر همکاری آمریکا - مصر - اسرائیل به آمریکا پیشنهاد نموده است. اساس طرح پیشنهادی اسرائیل به آمریکا پیشنهاد داده است. اساس طرح پیشنهادی اسرائیل به آمریکا پیشنهاد داده است.

۱- نقش آمریکا تنظیم سیاست واحودادن کمک های اقتصادی و نظامی باشد.
 ۲- نقش مصر اتمام برای استقرار "خلج - امنست" بین دول عربی باشد.
 ۳- نقش اسرائیل، سد کا رگیری سرویس های حاوسی و استفاده ارتوان تکنیکی باشد.
 در نتیجه آنچه که اسرائیل حواستار آن میتیاند، گرفتن کمک هرچه سنتر افنمادی در رای تقبل مسئولیت سرکوبگرانه در منطقه است.

ج- کشورهای عربی

اکثر کشورهای عربی منطقه بعلمت جوعومی فسد آمریکا بی موجود در میان مردم این کشورها و شرایط بحرانی داخلی، راهمکاری وسیعی با طرح کارتر در هر اس میباشد. باین دلیل آنها هر کدام با ظاهر عربی سعی در آن دارند که طرحی سومی را با مصلح در مقابل طرح کارتر قرار دهند. لیکن چنانچه در زیر نشان خواهیم داد، دلگش، این طرحها کلاً در موازات طرح کارتر بوده و نوعی در خدمت آن می-

باشد. ارمان طرح های موجود در منطقه میتوان بطرح های حسب کسور است و در کرد.

۱- طرح عربستان

این طرح در سال ۱۹۸۰ از طرف عربستان سعودی به کشورهای عراق - کویت - امارات - قطر - بحرین - بنسپاده است. این طرح در ظاهر هر سه جنبه اتحادیک سیستمی - اطلاعاتی مشترک بین کشورهای مذکور در مقابل "اعتناسنا" داخلی را در دستور روز قرار میدهد و حواستار تقویت هماهنگی - مدرسه نمودن نیروهای نظامی کشورهای مورد نظر است. اساس این طرح به حصول اتحادات در داخل کشورهای مورد نظر و مقابله با نیروهای متضدی است. این طرح بدون اشاره به ایجاد نیروی نظامی مشترک بین کشورها، بسومی این نکته را طرح میکند که امنیت خلیج متوسط کشورهای واقع شده در اطراف آن است.

۲- طرح عراق

طرح عراق اساساً به حصول اتحادیک نیروی نظامی مشترک (ار کشورهای عربی) برای حفظ امنیت خاور میانه و خلیج دور میزند. عراق در این طرح خواستار تشکیل نیروی ویژه نظامی از کشورهای منطقه با قدرت "مستقل" تصمیم گیری و بودجه مشترک میباشد. عراق در کنار طرح نظامی فوق به اقدامات دیگری نیز در جهان عرب دست زده است. یکی از اقدامات آن خواستار تشکیل "مشور" ارائه مشور است که بيشتر جنبه اتحادیک را بطسعه سیاسی - اقتصادی شکل بازار مشترک برای کشورهای عربی دارد. کشورهای که در مساهه موربه سال ۱۹۸۰ آمادگی خود (بفصل در صفحه ۱۳)

اخباری از گوردستان

اورامانات

شیخ ماذح نقشبندی در اورامانات تخت دیده شده و همچنین در اینجا از مدت‌ها قبل حدود ۲۰۰ نفر از افراد مسلح شیخ حسامی ساواکی یا "رژگاری" یکی شده‌اند. شیخ عثمان نقشبندی هم در ابتدا دیر میسرود.

اطراف ارومیه - صومالی دوست

طبق گزارشهای واصله از قسمت گوردستان شمالی صنارمان - سدی وجهانگیرخان که هر دو از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات و از رهبران بنام هستند از حزب یا دشده تشعب کرده و عده‌ای مزدور با اینها میباشند. اینان ظاهراً راه حل مصلحت آمیز مسئله گوردستان را قبول دارند و به حزب شده نزدیک میباشند. اعلامیه اشعاب ایشان هم انتشار یافته. البته در روسته‌های و اشعابات گهگاهی در میان صفوف ارتکران فتودال و عوامل بیگانه پرست پدیده تازه‌ای نیست!

هروان - دزلی

نیروهای ایرانی در روز ۲۷ اسفند ۵۹ موفق به گرفتاری قلعه‌ای در این منطقه بنام "کله تته"، که دارای اهمیت سوق الجیشی است، شدند. با فتح این قلعه موقعیت مصلحتی بسیاری نیروهای ایرانی بر نیروهای تجا و رژگاری بدست آمد.

پوکان - گاشی گولان

طبق گزارشی روستایان این ده جهت مهاجرت اختلاسی زمینهای یکی از فتودالهای مزدور و بدنام منطقه بنام جعفر - اینخانی زاده، که مالک چندین روستاست، اقدام میکنند. روز ۲۷ اسفند ۵۹ مردم روستای "گاشی گولان" همراه سبزی در مسلح دهقانی خود که از زحمتکشان روستا تشکیل شده بوده از جعفرخان برای مذاکره پیرامون مسائل دعوت میکنند. ولسی فتودال یاد شده همراه چند تن فتنگی به دعوت آنها پاسخ میدهند و در نزدیکی روستا هنگامیکه مردم مزدوران را می بینند آنها را درگیر شده و بسویشان شلیک میکنند، که در نتیجه یکی از مزدوران از ناحیه ران زخمی میشود و بقیه عقب می‌نشینند. سدا ز رسیدن خبر شکست به جعفرخان، وی به حزب دمکرات تکلیت میکند و حزب دمکرات نیز افراد شرکت کنند در این ماجرا را دستگیر میکنند. هنوز از سرنوشت مردم زحمتکش این روستا اطلاع دقیقی در دست نیست.

توضیح! دفتر شیخ عزالدین حسینی در این روستا وجود دارد و این دفتر هیچ عکس العملی نشان نداده است (۱۳۶۰/۱/۲)

پوکان

روز ۲۸/۱۲/۵۹ گروه‌های بی از طرف "گوماله" بمنام سبت شهادت سلیمان حسین و در باره او اوضاع ایران و گوردستان برقرار بوده، که طی آن سئوالاتی هم در باره "اتحادیه کمونیستیهای ایران" از مسئول "گوماله" یعنی عبدالله میسودی پرسیده میشود. بدین قرار (مقال به تحریب) می: "نظیر جریان شما در باره" اتحادیه چیست؟ ج: "خوب بود که مقداری از آن به جیبانی یاد کنیم، اینها زحمتکشان همان "اتحادیه" که ما اینها را نه تنها یک نیروی دمکرات و انقلابی

نمی شناسیم چه برسد به ل. اینها نوکران بورژوازی هستند. زمینی و در حمایت میکنند در قبال حزب جمهوری و اگر هم در "دمکرات" موضع میگیرند از یک دید انقلابی یک ارتجاعی با شما باشند. می: "سنگینما چرا ارتجاعی هستند؟" ج: "رژگاری در عهده ما میرا لیسیم بورژوازی را ارتجاعی دانسته و آنها سیر شده کران بورژوازی هستند که تقویت جناح بنی‌مدر را به عهده شما گرفته‌اند و اگر هم از گومه له تمجید و تریف میکنند خواهش میکنم که از این سبدها پین کار نکنند؟"

توضیح: خدمت آقایان رهبران "گومه له" توفیم نام میشود که اتحادیه کمونیستها هیچگاه به تمجید و تریف از "گومه له" تیرداخته و نمی تیردازد و بنا بر این ایشان بیخود دانسته کلونیا ندانند!

سنندج

گزارش کوتاهی از روز ۲۸/۱۲/۵۹ بمناسبت سالگرد سال بنام در سنندج:

از چندی قبل قرار بود که بمناسبت دومین سالگرد جنبش تحمیلی خوروز ۵۸ سنندج و بزرگداشت شهدای ایران و گردیدن در این دو ساله اخیر مراسمی از طرف گروههای سیاسی در شهر مرکز ارتقا شود و قرار شد که در آخرین شب جمعه سال ۵۹ در گوردستان (تایله شهدا) مردم جمع شوند و شعرا و سرودهای سببی را سبب خوانده شود. اما زمان ما در این مراسم شرکت حست را در داران خواست که فعلاً لانه در این مراسم شرکت جویند و شعرا و صحیح را سبب مردم ببرند. زیرا در نظر آنها تهلای قبلی در ارتجاعی صنی بر محکوم کردن جنگ ایران و عراق (جنگ مدافع و مت ایران در برابر برتجا و ز عراق) از طرف چپ شما داده میشود و حتی شعار مرگ بر آمریکا را احراقی می داشتند و میگفتند که وقتی ما مرگ بر ارتجاع بگوئیم میرا لیسیم و نیز شما مل میبندد. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر مردم در گوردستان شهدای سنندج جمع شدند و در این زمان پاسداران مقیم سنندج و گروههای عثمان دارگداران فضیله خیر را رنده بودند در شهر تقریباً نوعی حکومت نظامی برقرار کرده و تمام راههای منتهی به گوردستان را معارضه کرده بودند. لازم به تذکرات است که از مدتی قبل شایع بود که عده‌ای جماعتاً در زوره دیده به سنندج وارد کرده‌اند از آنها جهت سرکوب نظراتها و راهبها می استفاده کنند، که این کار پیرو روح جماعتی در شما کمشور در اینجا هم رایج شد. بهر حال محنت این حصر در آن روزهاست که چون قتل از زور مردم به گوردستان عده‌ای جماعتاً با اساسهای غادی در آنجا بودند و در بین مردم سبب آمدن و میرفتند و جاسوسی میکردند. ضمناً آنها دارای سلاحهای گس و سردا شدند و قریب پنجاه یکی، کلت و حتی سی و دو دوربین عکاسی بودند.

در این زمان بلا کاردهای از طرف نیروها در گوردستان نصب شد. بلا کار در زمان ما یکی همان شعار راجع به جنگ سبت البته بدان "حزب دمکرات حیانت میکند" هم اضافه شده بود. بدینسان: "آمریکا نقشه میریزد، شوروی مسلح میکند، چپ را تأیید میکند، عراقی تها و میزند، سبیه در صفحه ۱۲

افشاگری يك كارگرد باره مديران و سرمايه داران ضد

انقلابي كه از رفتن كارگنان به جبهه هاي جنگ

جلوگيري ميکنند

بسمتدار

کشت وخت کاروان



تلخی

شماره ۱۱۸

تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۶

شماره ۵۹/۱۱۸

آبادی عباس

عنوان مقاله: افشاگری درباره مدیران و سرمایه داران ضد انقلابی که از رفتن کارگنان به جبهه های جنگ جلوگیری میکنند

مکان: تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۱۸ - شماره ۵۹

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۶

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تعداد کپی: ۱۰۰

تیراژ: ۱۰۰

برولتری میگشا نندا میدکدا من نوشته که من کارگران را می نویسم بشوا بدزنگی برصدا یا تدرای گزینهای شنوا .

بدا میدپیروزی انقلاب تحت رهبری طبیبه کارگر !

اندیشه های غیرپرولتری، ضدانقلابی و ارتجاعی کمونیستی طرد کنیم !

رفیق کارگران شوشتن
۱۳۵۹/۱۲/۶

قلی زاده با شاکستی ؟ شخص با سرده ازها مداران
کارخان ریخته گری ابرومبیا شد که با آفان سان همچون کارگران
ها ... شرکت دارند - فردنا میرده هم اکنون مدیرعامل کشت
و صنعت کارون (؟) میباشد و کمی است که تا بحال ده قایق سراز
زحمتگنان و کارگران و کارمندان مبارزان شرکت را جسم مردم
تشکیل شورا و مخالفت با زورگوشی های این شخص و ایادی و اعمال
جاسوسی مفتش همچون بختیار و ... شرکت اخراج کرده و حسی
از خانه های مسکونی شان که مربوط به شرکت بوده بیرون کرده اند
(در مواردی با ضرب و تهدید و چماق کشی) . اعلامیه مقابله
مدیرکی است براین که این شخصی که یکی از سرمایه داران غارت
گراست و درلوانی مذهب و با استفاده از احسانات پاک کارگران
ربندیده و زحمتکش این شرکت همیشه سعی کرده جماعتی تکفیر بر سر
کمونیستها و مبارزان و نیروهای انقلابی این شرکت بکشد و حتی
موارد غیرچینی و جاسوسی توسط برخی ایادی کارفرما دیده شده
است و درشرایطی که کارگران زحمتکش این شرکت همچون محصد
سلیحانی در راه میهن و انقلاب شهید میشوند و افراد مبارزی چون
رفیق مرنفی چهارم عالی اجراحی این شرکت درجبهه سوسیستیک
شهید میشوند و گروههای پیکاروشنگا - مرتباً ارتجاعی
چیز مینویسند و مرتباً در نوشته هایشان مینویسند " اتحادیه
کمونیستهای ایران " دنیا له روی روزوازی شده اند (البته
غیر مستقیم می نویسند زیرا که آنها کمونیستهای راستین شهاست
بحث ایدئولوژیک - سیاسی آشکارا دارند) و طبقه کارگر را
به دنیا لجه اینها تبدیل میکنند این سندا ز آتای قلی زاده با
مدیرعامل شرکت ها و سها مدار کارخانها بیرون میباشد که از شرکت
کارگران و زحمتگنان کارون درجبهه جلوگیری میکنند آسسا
پیکاروشنگا خدمتگزاران بورژوازی نیستند ؟ حامعه سسار
سبازات طبقه ای این را بخوبی نشان داده که همیشه
کمونیستهای واقعی حامیان راستین طبقه کارگرند و این
تروتسکیستها و چریکها تا انحرافی و ... هستند که نه تنها
دنیا له روی روزوازی هستند بلکه علیه نوشته ها و گفته هایشان
طبقه کارگران نیز عملابه دنیا له روی از این نیروهای غیر

نامه پیک کارگر

بتهیه از صفحه ۷

خواستار اجرای عدالت شدند ولی نمابنده که خود به حرب حاکم
وابسته است خدا انقلابی است و علینا میگوید همه چیز به تشخیص
مع با بدبنا شد و دربارا به میگوید مرغ یک پا دارد و آن مرغ هم
در هندوستان است و فقط ما آنرا می شناسیم نه شما
در مقابل خواسته ها ، بحق کارگران با کدل و فداکنسار
نمابنده دولت گفت : " ما از زور سر نیزه استفاده خواهیم کرد و
شما را به محاکمه خواهیم کشاند " و همین کار را کرده که تعداد
زیادی را در زندانها جا داده و تعدادی دیگر که در درگیری آن شب
در کارخانه زخمی شده اند معلوم نیست کجا برده اند و حال آن وجه

ها بشان درانتظار آنها هستند و بد مسئولین مینویسند که آنچه
را چه کار کرده مسئولین مینویسد ما از آنها خبری نداریم در
صورتیکه خود مسئولین آنها را دستگیر کرده اند .
و این است چرا کارگر مسلمان و حق طلبی که با سدرسه
بیت بود و پادشاهان این مملکتها فکر و خشم بیوسند .

ازگان
اتحادیه کمونیستهای ایران
را بخوانید و در میان مردم پخش کنید





نظریه جنبه آموزشی این

ستون و تعداد سئوالات در این شماره در ستون پاسخ به خوانندگان به سئوالات عمومی سیاسی تاکنون رسیده پاسخ داده میشود. در شماره های بعدی در حساب موضوعی سئوالات پاسخ داده خواهد شد لذا در مورد سئوالات خود بخورد و دید جواب سئوالات خود را بنویسد. در شماره های بعدی منتشر آن باشد.

الفهله از تهران

۱ - در مورد سئوال اول، در کمیته نبودن " سرمایه داری وابسته" در جزوه "فرم ارضی امپریالیستی..." بلاتماض بوده و در برگیرنده نکته خاصی از لحاظ محتوی نیست. در هر حال این سئوال شما چندان روشن نیست و اگر جواب فوق القاضی کننده نیست، سئوال خود را دقیق تر و روشن تر بنویسید.

۲ - در مورد سئوال دوم اینست که در همان جزوه "در مورد روش ژاکوبین" پاسخ به سخن دیگر "ژاکوبین وار" اگر امکان دارد توضیح بفرمائید. در جواب بیا شد گفت که:

اصطلاح روش ژاکوبین ها یا "ژاکوبین وار" اشاره به روش فزتهای از انقلابیون فرانسه در دوران انقلاب کبیر فرانسه است، که همانا سزکوب بپیرجامنه دشمنان انقلاب بورژوازی فرانسه یعنی سلطنت مطلقه و اشرافیت، فلیخ و نامع جناح سارژنگ رپوزوازی و تسویه حساب با نظم سام کهنه و اصول فئودالیته است. در دوران انقلاب کبیر فرانسه "فویانها" نمائندگان سلطنت طلبان و اشراف اصلاح طلب، "ژیروندنها" نمائندگان سرب رزوازی لیبرال و ژاکوبین ها نمائندگان خرده بورژوازی رادیکال بودند. در مجلس کنوانسیون انقلاب فرانسه ژاکوبین ها همراه با فرقه انقلابی دیگر بنام "کوردلگه" به "مونتا نیار" معروف شدند و جناح چپ این مجلس را تشکیل میدادند. فرقه با دنده پس از سقوط فرقه ژیروندین برای مدتی کمتر از یکسال (۹۴-۱۷۹۳) قدرت را در فرانسه بدست گرفت و به تسویه حسابی خونین با دشمنان انقلاب دست زد.

لبن در سئوال، معروف خود سئوال "دونا کتیک سوسال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک". سخن دوجریبان عمده در حسین کارگری روسیه یعنی بلوکیها و مینویکیها را به نقش دوجریبان نموده در جنبش بورژوازی فرانسه یعنی ژاکوبین ها (جناح انقلابی بورژوازی) و ژیروندینها (جناح سارنگار بورژوازی) شبیه میگردانند و می نویسند:

"ژیروندین های سوسال دموکراسی معاصر روسی یعنی سوبکرا نیها [مینویکیها] با هواداران "آمو-با زدنیه" [ارکان سوسوروازی لیبرال] درهم نمیشد و آیزندولسی بحکم ماهیت شعارهای خود عملا در دم آنها قرار نمیگیرند. و اما هواداران "آسویا زدنیه" یعنی نمائندگان بورژوازی لیبرال میخواهند با تزار بسام آراه ملازمت یعنی به شیوه اصلاح طلبی. آراه کذشت، یعنی بدون اینکه اشراف، نجبا و دربار را بر سرشانند. بسا با احتیاط یعنی بدون هیچ عمل فاطح با ملاطفت و ادب، آقا-منشانه، دستکش سفید بردند... تسویه حساب نمایند.

"ژاکوبین های سوسال دموکراسی معاصر یعنی بلوکیها... میخواهند با شعارهای خود، خرده سوسوروازی انقلابی و جمهوریخواه و بخصوص دهقانان را بسطج دموکراتیک سیم پیگیر پرولتاریا، که خصومت کامل طبقاتی خود را حفظ میکنند، ارتقاء دهند. آنها میخواهند مردم یعنی پرولتاریا و دهقانان با سلطنت و اشراف "بلس منشانه" تسویه حساب نمایند، دشمنان آزادی را بپیرجامنه بیاورند، نیروی مقاومت آنها را با زور سرب کوب نمایند، و نسبت به میسرات لمنتی سروزوازی منشی و تحقیر نسبت به بشر کوچک ترین گذشتی را رواندارند." (آخار منشخب" صفحات ۶۳ - ۶۲)

سئوال دیگر "ژاکوبین وار" یعنی راه و رسم انقلابی و رادیکال (مانند ژاکوبین های انقلاب فرانسه).
 ۲ - در مورد کمفرانس مربوط به ما - تحت حوامع بحث مطالعه که نوشته بودید از اطلاعات شما بسیار یادگاریم. مسأله در حدود امکانات خودمان اقدام نمائیم. ولی ضروری است که شما نیز از امکانات خود استفاده کنید و در این مورد تحقیق کنید. منتظر اقدامات شما در این زمینه هستیم.

اگر چه

طی نامه ای استناد کرده مینویسند: "آیا امپریالیسم مینواید حسدا را با بهای بیش از یک کشور باشد. آن را چنان کند و بصورت یک پدیده، محزا و مجرد خارج از مرزها باشد؟ در حقیقت ۱۰۹ بخشی تحت عنوان "کمونیسم و مبارزه برای..." درج گردیده است. در آن میخوانیم: "استقلال همان مبارزه برای برانداختن سرمایه داری نیست، معنای برانداختن فئودالیسم هم نیست... مبارزه برای استقلال یعنی مبارزه برای برانداختن سلطه و نفوذ دشمنان و امپریالیستی یعنی مبارزه برای رفع بهره کشی و تسویه حساب و همال غیر... (شاکبدا زوقی است) در اینجا با دو نکته متناقض برخورد میکنیم یعنی در جایی مبارزه برای استقلال "برای برانداختن سرمایه داری" (حیوانست) به امپریالیسم) و "فئودالیسم" (حیوانست) نبوده و در جای دیگر یعنی "مبارزه برای برانداختن... عملی غیر... اگر منظور از استقلال مبارزه با امپریالیسم و عملی است که سرمایه داری را وابسته و فئودالیها (خصوصا وابسته بسام امپریالیسم) و بطور کل فئودالیسم کامپرادورها را از زیر میگرداند و نتیجه نمی توان بطور عام "سرمایه داری" و "فئودالیسم" را آورد و اگر بحث دیگر است آن را روشن تر توضیح دهید. شاید گوئید که منظور "سرمایه داران ملی" و "فئودالیهای غیر وابسته" است ولی در ادامه مقاله میخوانیم: "اما مبارزه برای دموکراسی... در آخرین تحلیل متضمن حل چند مسئله مهم در کشور ما میباشد... این مسائل در کشور ما بطور عمده عبارتند از: مسئله ارضی - دهقانی با رها بی دهقانان از وجود ستم نیمه قرون وسطایی سلاکان و بوروکراتهای قدیم و جدید مسئله حذف روابط سرمایه داری دیوان سالارانه بقیه در صفحه ۱۰"



(بوروکراسیک) و عملیات ملو-

دال - کنفدراسیون حاکم بورژوازی کسار و سرما به در کشور... (تاکیدات از من) یعنی مبارزه با امپریالیسم (یعنی پدیده‌ای محدود خارج از مرزها) جدا از سرما به داران وابسته و فتوحات لایه‌های مرجع وابسته به امپریالیسم است و اگر جنبش نیست این مفهوم را الفاء میکند. بنا بر این لازم است برای رفع ابهام ضمن پاسخ به این مسئله تأییدی شود در مخالفت از کلی گویی که اینها را هم میکنند بر هم میزنند.

پاسخ: پدیده ما نفاصی در دو نقل قول اشاره شده در مقاله "کمونیسم و مبارزه برای..." موجود نیست. مبارزه برای استقلال در هر کشوری معنای مگر مبارزه علیه سلطه و نفوذ یک نیروی بیگانه (در اینجا بورژوازی بین المللی) مبارزه برای رهایی از چنین سلطه و نفوذی نیستند. در اینجا نکته مورد دعوا به کسردناسیات میان یک جامعه زیر دستم و بورژوازی امپریالیستی، میان ملت مستعبد و مستعمر ("تقسیم ملتها به مستعمر و مستعبد... جوهر امپریالیسم است" (لنین، کلیات، جلد ۲، ص ۴۵۹) میچرخد و نه به گردن ناسیات داخلی. لکن این ناسیات مستعمرانه و غارتگرانه بود بورژوازی امپریالیستی با ملت زیر دستم بیگنی به ناسیات عقب مانده و ارتجاعی داخلی است و از طریق عوامل داخلی عمل میکند. در نتیجه لازم است مبارزه علیه این ناسیات استعمار رنوی امپریالیستی و رهایی از سلطه و نفوذ آن مبارزه با زواشد و عوامل آن یعنی بورژوازی بزرگ و وابسته و ملاکان و فتوحات آنها میباشد. همان طور که ما لکن مبارزه علیه سرما به داری بوروکراسیک و وابسته و نظامات فاسدون وسطا می و رهایی آردیکتاتوری طبقاتی ملاکان و کنفدراسیونها به ضرورت نبرد امپریالیستی اشاره میکند. بدینسان نظامات خارجی داخلی کشورها هم پیوند میگیرند و در فرا ابتدا انقلاب دموکراتیک در کشورها تأمین حل میگردد.

در مقاله مورد بحث به هیچ رو از مبارزه علیه امپریالیسم بعنوان مبارزه با پدیده‌ای محدود خارج از مرزها یاد

شده، بلکه از مبارزه با سلطه و نفوذ نیروی شی در خارج از مرزها در داخل مرزها صحبت شده است. پدیده‌ای که هر استقلال طلبی، بیگانگی و در عین حال حضور آسار است و نفرت احساس میکند. اگر امپریالیسم خارج از مرزها بود که دیگر کاری با ما نداشته است و استقلال آن موضوعی نداشتی - کرد، همانطور که اگر امپریالیسم پدیده‌ای مرط داخلی بود ما از منوله استقلال طلبی موضوعی پیدا نمیکرد. امپریالیسم پدیده‌ای است که از خارج از مرزهای ما به داخل مرزهای ما آمده و به ناسیات و مستعمری پرداخته است، وظیفات ملاک و کنفدراسیون داخلی نه تنها به اعتبار و واسطه مرتجعانهای که تنها بیگنی میکنند بلکه همچنین به امپریالیسم داخلی که تنها بیگنی میکنند (مبارزه امپریالیستی) هدف هر جنبش ملی قرار میگیرند. تا کنون در تعریف و تشریح استعمال (نو) امپریالیستی و معنا و مفهوم مبارزه استقلال طلبانه و ملی (عدا امپریالیستی) در کشور ما خموما بدین خاطر بوده و هست که گروهی در جامعه جیب نادانانه مبارزه علیه امپریالیسم خارجی و برای رهایی ملی را به همان معنای مبارزه، صرفا دموکراتیک داخلی ترجمه کرده و به معنای "در خارج از مرزها" بودن امپریالیسم در عمل مبارزه ملی و عدا امپریالیستی را کنار میگذارند.

در اینجا برای تفهیم قضیه به مطلبی از ما نوشته‌ها اشاره میکنیم. ما شور و سیان اجزاء انقلاب دموکراتیک چنین می نویسد:

"برنامه یک انقلاب کامل دموکراتیک در چین، از نظر خارجی، سرنگون ساختن امپریالیسم و کسب آزادی کامل ملی؛ و از نظر داخلی، از بین بردن نیرو و نفوذ بورژوازی کنفدراسیون در شهرها، با انجام ناسیات انقلابی برای لغو ناسیات فئودالی در روستا، و سرنگون ساختن دولت دیکتاتورهای نظامی است." ("مبارزه در کوهستان چین کان" - منتخب آثار - جلد ۱ - ص ۱۴۵) همانگونه که ملاحظه میکنید ما شور

اسحا " از نظر خارجی سرنگون ساختن امپریالیسم و کسب آزادی کامل جنبشی" را شمعانی مبارزه در خارج از مرزها میدانند.

ع - خ از تهران

۱ - به حد دلیل در مبارزه با ناسیات اولاد با لکه ما بینده، ارتجاعی سازمان ملل و ایران موضوعی در "حقیقت" کبر - نمیشود؟

۲ - آیا ناسیات سرکوبها و اجناسی رژیم و ارتجاعی ریهای منتهی به شوری و مرتب با ناسیات رگودنا و ناسیات های دیگر را دانسته ایم؟

پاسخ: ۱ - در "حقیقت" در مبارزه با ناسیات بی دربی اولاد با لکه اعلام موضع شده و هدف از این ناسیات، که کسب ناسیات ایران بجای ناسیات ارتجاعی و رهایی واریا با نشان است، اجناسی کرده است، و چون کشیده مقاله "مرگ بر ناسیات کنه بخوانند سرسرا این جنگ با ناسیات کنند." ("حقیقت" ۱۰۷ - ۱۲ بهمن ۵۹) و مقاله "ملت تنگ سازش را نخواهد برفتند" ("حقیقت" ۱۱۵ - ۱۵ اسفند ۵۹).

۲ - طبق سرکوب و اجناسی و ناسیات کاری با ناسیات و غرب بهترین زمینه سازی برای کودتاها با جنگ هائی که در خدمت جنبش کودتاها می باشد، هست و به صورت ناسیات آنها خدمت میکند. جدا این ناسیات سرکوب و اجناسی و ناسیات نوده ها را زیر فشار میگذارند و دست قدرتهای بزرگ را برای اعمال نفوذ و انجام نفوذها به نشان رها می کند. برای همین ضمن توجه به خطر کودتا و آزادی برای مبارزه با ناسیات هر جنبش جدید تجار و کارکنان را به ناسیات سرکوب و اجناسی و تسلیم طلبی ملی و با سردمداران آن مبارزه کرد، در این مبارزه نوده های مردم را وسیعاً متحد کند و در ناسیات دموکراسی و تسلیم طلبان را به جدای علی ممکن به انفراد و سرانجام ناسیات بودی کسب ناسیات سرقراری رژیم دموکراتیک، برقراری خاکمیت نوده های مردم، مبارزه کرد.

ج - م

میسرند: "برنامه مدح اقل و حداکثر تا زمان در قبال موقعیت کنونی و مرحله انقلاب چیست؟ توضیح کلی در مورد جمهوری دموکراتیک خلق (چین) و نقش نیروها در ایجاد این جمهوری و اینکه آیا این بقیه در صفحه ۱۲

گزارشی درباره جنگ زندگان خوزستانی در شاهین دژ

پس از حملات فاشیستی تحت عراق به حسی از خاک میهن ما ن همان طور که میدانیم تعداد زیادی از سائکس این مناطق به ما میزبهرها و روسا های ایران سرزیرتند که عده ای از این جنگ زندگان در شاهین دژ (شهرکی سردیک امشها) آمده اند. این افراد در یک بازاریستینا بزرگی که سبب از بیام سرزای آمریکا شپها ساخته شده بودند کس شدند که تعداد آنها حدود ۲۰۰ نفر میباشد.

در اوایل جنگ که جمعیت ما کم بود در این راه های این بازاریها آنها جای دادند که قتلان و گران با زار در آنجا زندگی میکردند ولی کم کم بر اثر تراش آنها و اعتراضی که نسبت سدفع و مکان خود داشتند و در کتیربها شای ما کمیته مسئول شستند به داخل سفارزه های این بازاریها پیدا کنند این سفارزه ها از نظر وسعت بسیار بزرگتر بود رای با لکنی هم در ناله شند که به سختی با چندین بخاری میتوان آنرا گرم نگاه داشت. در حالیکه هر یک از این خانواده ها که می آمدند در اوایل جنگ به هیچکدام رسیدگی نمیشد و بعد از رومها و رفت آمده های زیاد کمینه ای در همان محل با چندین مسئول برای آن تشکیل دادند که بعد از تشکیل این کمیته هم هیچ کاموشی در حق آنها برداشته نشد و بهتراست بگوئیم که این کمیته بیشتر نفاق اندازی و دردی در میان آنها بوده است تا همدردی و کمک به آنها. مثلاً در آن سرد مای شدید و برف زیادی که میبارید جدا کسریزی گذاش کمینه به آنها میداده و از امتحانات خود میدادند که چراغ حوراک پری بر رای هر دو نفر یک پتو بوده است که البته ایس کمک ها در سورد همه هم صدق نمیکند و به خیلی از خانواده ها هم حتی از دادن پتو و وسیله گرم کن دریغ داشتند. ندیدیم که مردمی میگفت "من سبب که سینه شمشیرم چون باید از دست تا صبح در اتاقم قدم بزنم تا اینکه سرما را زیاد حس نکنم."

البته روی این چراغ هم باید غذا درست کنند و هم اتفاق خود را گرم نگاه دارند بگذریم از بقیه حداقل وسیله ما بحتساج ریدگیشان که اطلاقشان هم بدهکار نیست.

این جنگ زندگان خیلی از کارهای کمیته ناراضی اند. مثلاً مسجدی در همان بازاری را ایشان درست کردند آنکه سر تا سر این مسجد را فرش کرده و از بویلی که زیاد هم مورد احتساج آنها نیست پر کرده اند در حالیکه اتاق کنار آن مسجد خالی از هر چیزی است و زنی که در حال زایمان است هیچ وسیله و یا شروی کمکی ندارد و روی زمین سردیخ زده بچه خود را بدست میآورد و بزرگی می کند. کار این مسجد این است که از صبح تا شب آیه های قرآن را بخوانند و از این طریق سبب آسایش مردم شود و آنها را به اجسار هوادار کنند که با بد همه حجاب اسلامی ایشان را حفظ کنند و مردم سببانی سخنرانیهایی که در مسجد میشود سر و بدور یکی از رورهای شسی کدیکی از خواهران "مجاهد" بقول خودشان سخنرانی دانست همه او را بدست خور گرفته بودند و می گفتند سر نرفته میدانم او چه میگوید اما بدیدیم بطوریکه یکی از آنها گفت "من میدانم که بطور سوز از آمدن به اینجا چیست در استند چمد سوره، قرآن میخوانی و بعد هم میگوئی سختی و کسری را تحمل کنی، اما بدان که هیچکاه

سرا زگر سید حیدر را در حرمهاست برای ما قابل قبول نیست. دیگر کارهای امضا را میرا این کمیته کلاهداری ایران مردم بی سرودزدی کردن ارمال آبیست و کمک هائی را در کس مردم برای این جنگ زندگان میآوردند و بعد می دادند. عمل از سوادن آنها چون بعد از آن مردم مستشما کمک هائی خود را میباشند تا بالا میکشند و هیچ توجیهی هم به وضع طلاکس با رایس بی حیران ندارد بطوریکه روزی در حالیکه حسی بگران بودند فریاد میگفت "مخ آنها را کتر شتم اینها جان منی کنند که تا یک مده بعد هم طرفه در حالیکه نمی دانستند معنی خودشان هستند و ما رسوا شان میکنم و همه در هزار تومانی که شخصی برای بفسم کردن میان همه ما آورده است را ایس بی نرمان بالا کشند. اندوار ترس اسک ما با اطلاع نسوم به آن شخص گفته اند سید بولت را قسمت کردم."

دیگر راجع به کمک رسانی مردم به این افراد است که در مورد آن هم کمیته اخلال میکند و میگوید اسها یک مست آدم کمرب نیست و جیبی اندوسا بدن ما این کمک ها را از آنها قبول نکنند اما نمی دانند که این حرفها برای یک عده آدم گرسنه و لخت است تا بیده ای ندارد. در حالیکه ما کم کم کتاف کتاری های همین افراد کمیته جی را بطوری خودشان می سندان مردم هستند که از اشتدای جنگ تا کنون یک لحظه هم آنها را زیاد با ایشان سرد اند و مرتب برای کمک و همدردی و دلجویی به نزد آنها آمده اند و تمام وسائل مورد احتساج زندگیشان را فراهم کرده اند و چشم و اید آنها به همس مردم است.

اما موضوع قابل توجهی که در اکثر این خانواده ها دیده میشود این است که روحیه آنها وسحمل کردن زندگی در این شرایط و اوضاع است. بطوریکه هر چه برده اند در بدل آنها بر میآورد و از سخنی ها و ناراحتی هائی که میکنند مگوشی در عین حال تپه حرفها را تجدید میکنند و مگوشند "ای کاش رزمندگان و فرزندان ما بتوانند این نجا و زگوان را از خاک عزیزمان بیرون کنند ما تحمل میکنیم" و یا در حالیکه به قدر سندان در رایس دولسند به خصوص جزء جمپوزی فحش میدهند مگوشند "این چه دولسی است درجا کیکه بچه های ما از جان خود گذسند و از هیچگونه کمکی در جبهه های جنگ دریغ ندارند اینها بجای اینکه هم سگر فرزندان ما شوند و قاع آزمیپیمان بکنند به اختلاف داخلی دامن سبب زیند و زدی میکنند البته حق هم دارند چون خالتان آسودند تا و نا بدهم بقدر ما سانسند" و یا اینکه "حرا همه این شهیدان را از فرزندان ما باشند و فرزندان این دولت مردان باشد در سانس و راه با تسد و بجای همراهی و همکاری کارنان نفاق در سانس باشد برای مردم ردن و اخلال در مساره عدل میرا لسنی میرد. و اخیرا هم که سینه های شوم عارشان میداد که سر سر سبب رمان ای حاشا سببها آمده است در حالیکه خیلی ناراضی است این موضوع اندکی مگوشد "آخر ایس کار هم ما سندرگولنا سبب روش است سانس" دیگری مگوشد "ما جوانان اتمام جنگ هستند در صورتیکه هیچ امساری به ما و زگران داده نشود و یا اسکله

گزارشی

بفیه از صفحه ۱۱۵

رژواری شهری) است و عا تحت شرایطی بورژوازی ملی هم (حصه) صاحبان حیات را میخوانند در آن شرکت کنند. ولی در هر حال در چنین دولتی منافع بورژوازی ملی، مادامکه حاکمیت انحصاری نیا نسوزد و با یکدیگر در تضاد قرار نگرفته است و استکی بورژوازی ملی است و در حقیقت در آنجا دولتی بسوی جوادند.

ب- الف

منوبند:

" اتحادیه یکی از سازمانهایی است که ... حیات را بسازد یک برنا مه بوده و " جریان سوم " و عموان آن میخوانند بعضی جوانان را می نویسند مردم مستقیمند ما ساند. " ... بنظر من در ایران بطعم وجود حزب " ایجاد دودا من ردن به جبهه مشترکی که بسواست طیفی از مخالفین را در برگیرد بتواند متمرکز باشد. سهمی دلیل نظر خود را بپرا مون تشکیل چنین جبهه ویا راهی اعلا ساند نموده و مشخص کند که نحوه عمل چگونه میتوا تدیاشد. "

پاسخ: اگر منظور شما از "جریان سوم"، جریانی بس عنوان در میان نیروهای اسلامی است، که مخالف وادارای بورژوازی بسند با هر دو جریان حاکم و همچنین دارای موضعگیری بر علیه هر دو جناح بسندی امپریالیستی آمریکا و شوروی (غرب و شرق) میباشد. ما نظرمان را در باره آنها قبلا داده ایم. طبعاً نظر ما متوجه جلب آنها، تشویق آنها و احیاناً همکاری با آنها است. ضمن حفظ نظرات ایدئولوژیکی و سیاسی خاص خود و انتقاساً از ضعفها و نایبگیری های ایشان. البته اینگونه جهت گیری بسند به ایشان، بدون آنکه بخواد بیرو طبعاً تخطی ناپذیر کمونیستها برای سرو سامان دادن به کار خود، متحد گردانیدن طبقه کارگر و تشکیل حزب سیاسی کارگران سایدیبا فکند، بمعنای جهت گیری برای تشکیل جبهه است، و در هر حال بمعنای یکتو جبهه بسندی سیاسی - حال در هر سطح - میباشد. لیکن با تدو جبهه که تشکیل جبهه یا جبهه بسندی با اینگونه نیروها، ویا بمعنی رنسی دیگر جنب این نیروها به انحاء کمونیستها، بقول ما شومسازم وجود نیروهای کافی در نزد ما، مراعات منافع نیروهای کسه قرار است جلب شوند و مبارزه فاع و بیگیری جناح های راست و چپ کمونیست (مدکتوتیسیم واقع) در یک جنبش عمومی مساند (نگاه کنید به منتخب آثار ما شو - جلد دوم - صفحات ۲۹ - ۶۳۸) از این دو شرط احیر که بگردیم (یعنی فرض کنیم که کمونیستها سیاست صحیح و اصولی در این فضا ندارند)، شرط " وجود نیروهای کافی در نزد ما " مسئله است که هنوز کمونیستها با تدو سرای آن کار جدی کنند. والا تشکیل هر جبهه ای با هر نیرویی از این نسیل غیر مفید و خواهد بود و بحث در باره آن بحثی نسو - خالی است.

" هر چند خیلی دلزده و خسته از این اوضاع هستیم اما دلیمان نسو خوا هد که مثل گروگانها بر سر این ملت کلاه بگذارند " ویا سادر یک شهید ما همان فریاد بسف آلود خود میگوید " اگر جنگ با منفعت عراق پایان گیرد همه مردم ایران بخصوص خانواده های شهیدا و مادران داغ دیده به قیام بر علیه این سازشکاران در برابر دشمن خواهند پرداخت " و خلاصه حرف تما مشان این است که اگر جنگ تمام شود ما فریم همان لحظات اول به شهرمان برگردیم و سروری لاله زار شهیدایمان چادر بسزم اما منتی از این دزدان وطن فروش بردوشمان نباشد و یا زنی در حالیکه شک میریسزد میگوید " تنها آرزویم این است که جنگ تمام شود و بتوانم بروم و فریم شهیدم را ببوسم هیچ آرزوی دیگری ندارم " خلاصه کنیم: موضوع قابل توجهی که در اکثر این خانواده ها میتسوا ان دیدن رضایتی بس از حد آنها از این دولت و اعمال سنگین آن است و مرتب به بهشتی و رنسنجاشی و ... فحش میدهند و میگویند از زمانیکه این حزمی ها بر سر کار آمده اند خرفشی را از دلها ساید ما گرفتند و همه بدیختی ما از آنها است انقلاب کردیم بس برای بهبودی کشورمان سمیداستیم که یک مدت انحصار طلب و خواهان استبداد بر سر کار می آیند و میگویند ما که سمیدانیم اما بسنی عوان عم برای ما هیچ کاری نگرد هر چند که در جبهه است. و بد رستی همه آنها آمریکا خونخوار و ریا زبچه دستش یعنی تمام متحاور را برای به ناسودی کشا سیدن انقلاب سمیده تمام ما میدانند نسو میگویند: هر چند دادن هر شهید داغ بزرگی است بسردل همه ما اما استقلال میهن و وطن و آب و خاکمان مهتمسراسر است.

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۴

پاسخ به خوانندگان

بفیه از صفحه ۱۰

دولت جمهوری دموکراتیک چگونه دولتی است و مشکل از چه طبقات و نقش بورژوازی ملی در این جمهوری و اینکه این سو رژواری در این دولت شرکت دارند یا نه و اگر ندارند اساساً چه نقشی در این جامعه خواهد داشت.

پاسخ: محترماً میگوئیم که برنا مه حداقل و حداکثر ما - زمان عبارتست از انجام انقلاب دموکراتیک (سو) و انقلاب بسوا لیستی. هدف مرحله ای کنونی عبارتست از احام انقلاب دموکراتیک بسنی بسبل به دموکراسی سو، که دیکتاتوری طبقات خلقی برهبری پرولتاریا میباشد. دولت دموکراتی بس دولتی است انقلابی، آزادخواه، مساویا لیست و منکی به طبقات زحمتکش شهروروستا، که در طبع دموکراتیک و ملی در کشور ما یعنی انقلاب ارضی، لسوسرمانه داری بورژوازیک و واسسه و قطع سلطه و نفوذ وواستکی های کشوره بورژوازی بسین انقلابی (امپریالیسم) را ساعحام رسانیده و شرایط گذار به سوسالیسم را در کشور ما فراهم میکند. این دولت اساساً دولت سوسیالیست طبقات انقلابی کارگران، دهقانان، پشدوران (خرد بسو

حقیقت

اتحادیه کمونیستهای ایران

بخوانید

بررسی اجمالی

مقیه از صفحه ۴

را برای بررسی این منشور
 ۸ نکته‌ای اعلام نموده اند عیسا -
 رفتن از کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات، یمن، شمالی، اردن، الجزایر، مراکش، تونس، لیبی، موریتانی، در مورد شمالی کشورهای فوق -
 الذکر برای بررسی طرح عراق یک نکته‌شان با توجه است و آن اینکه در آن زمان تنها سوریه و یمن جنوبی که با روسها نزدیکی بیشتری دارند از نزدیک شدن به این طرح دوری میجویند.

در نتیجه با بررسی ترکیب انلی کشورهای متقابل به بررسی این طرح میتوان چنین نتیجه گرفت که چنین طرحی نمیتواند مورد مخالفت ابر - قدرت آمریکا باشد.

۳- پاکستان

روزم کودتای پاکستان هراسناک از ما رزات مردم این کشور و نگران از رویدادی مانند آنچه در افغانستان رخ داده با دیورگی کامل نسبت به اربابان آمریکا، ایشان بدل چندان خوشی از آموزه کارتر نداشته و طبق نظریه‌ی از دیپلماتهای این کشور عقیده دارند که آموزه کارتر برای پاکستان هیچ آلودگی خاصی را برپا نخواهد آورد. "اگر آمریکا خواستار متوقف نمودن توسعه روسها باشد، مستعدی کشورهای حبه" مقدم (منظور کشورهای هموار روسیه) را تقویت نمائند تا این کشورها از خود دفاع کنند".
 در نتیجه پاکستان نیز

خواستار مطلق توجه مستقیم ارباب به این کشور از طریق تقویت نظامی می باشد. نکته‌ای را که از طرح‌های کشورهای منطقه میتوان نتیجه گرفت، آنستکه در جهت همگی این طرح‌ها آمریکا شده و در جهت تکمیل طرح حضور مستقیم آمریکا در منطقه می - باشد و هیچ رونق واقعی تنها بکنه‌های آمریکا ندارد.

نتیجه گیری اجمالی

۱- آنچه که بطور اجمال در بررسی گذارنده شد مستعدان چنین نتیجه گرفت که ساخت جدید آمریکا در مقابله ابر -

معنای حکومت قانون اساسی

بسیار از صفحه ۲ در دست گیرید.
 و عیبا که ما سعی حق داریم، یعنی نظریه‌ی منگی مدید قانون است! او هوادار "حکومت قانون اساسی" است. او خواستار "جرای اصول قانون اساسی" است، و قانون اساسی به شورای نگهبان یعنی بسجفلی ما سعی و همکاران انتصابی اش حق میدهد که طبق میل خودشان قانون اساسی را تفسیر کنند و طبق تفسیر هر چه را که میخواهند رد یا قبول کنند و بر مطلقاً را قانونی جلوه دهند. آری! این قانون اساسی است، این قانون اساسی دستبخت محاسن خسرگان گذاشتی است، گسه به مانعی و مانعی‌های مجزول - الهویه حق میدهد که بکنند: "اگر به اصول قانون اساسی مراجعه کنید شما نظری که در - شوان ها کم مرادیم، نظریه" شورای نگهبان است. نظریه" محفل چند تا آدم غیر مستعد و غیر منتخب و غیر عادی (غیر - عادی از لحاظ حقوق و بیسزه و امتیاری که نسبت به آنها دستبخت بموجب همین قانون بایشان بطور نرفته!) این قانون

قدرت روس و اطلاعات در منطقه از هر زمینه برخوردار خواهد بود
 ۱ - تقویت نیروی نظامی
 الف: تقویت نیروی دریایی نظامی
 ب: گرفتن یا بگا ده‌های دور در ساز
 ۲ - برپائی یک رشته طرح‌های عمومی توسط ارتجاعیون منطقه در کدضول بلجسی - نظامی منطقه
 ۳ - ادامه تقویت نیروهای نظامی ارتجاعیون منطقه و استقرار مستعدان - ران خود در این کشورها.

اساسی است که به ما سعی وهم - کارانش حق خودکامی و نظارت بر همه چیز و حکمیت در ساره همه مسائل و حکومت بر همه کس را میدهد - حتی بر خرد این قانون را، این قانون اساسی است که مدعوب بن صریح خودش خود - دنی را بجزیرهای ندریما نستی می افکند و سره و برده و می - گردانند.
 و اغدا این سوالی در برابر مردم ما، در برابر کارگران مبارک کشور ما و در برابر همه آن نوده‌های غیر مستعدی است که با حاسته و بر بنام آزادی و کسب حقوق ملت بی شرف حکومت

استعدا دوست بنا شده، بیگانه کو بیدند، این سوالی است ارسوای ملت مستعدیده که صدها هزار شهید و غلیل و محروم داده - ای که از مظالم این عملدازان سوطه و راسخدا د، از خود سری ها و غیره سر بیای این حرب خود - کما سودم و دستگا و تحصیلی ان، از این بیسی ها و این مانعی های از خود راضی، بحان آمده - ای، این سوال که این چه قانون وجه حکومت قانون اساسی است که خودش با زیر - دست نگهباننن می باشد.

نوجه کنید: حکومت آقایان، حکومت دما نهای که مخالف آزادی و علمدار استعدا جدید، حکومت بی هشتی ها و مانعی ها و همکاران نشان، بموجب قانون اساسی قانونی است! پس با باید طبق قانون عمل کرده و حکومت آقایان را پذیرفت و با آنسکه باید برای نجات از حکومت این آقایان این قانون را نپذیرفت و در اندیشه، قانون اساسی جدیدی افتاد ما سعی و شورای نگهباننن حق دارند، آنها طبق قانون اساسی حسی زورگویی و دشمنی با مردم را مدست آورده اند، پس با باید از این قانون اساسی همراهی یاجب!

اخبار

مقیه از صفحه ۶

حزب جمهوری و حزب دموکرات خباثت میکنند. به پیشی بلاکاری بدین عبارت که "ترا رسیدن مال شرا به دایفه" کارگر قهرمان، دهقانان، زحمتگان سراسر ایران و خا نوا ده، شهدا شریک می - گوئیم، از آن ارمان بود.
 ماری براس بلانده پیش از جدی به راهیستاشی شد - شد، ولی فرضی برای شمار دادن و این دعا باشد، خف - تیرات ازی جماعا ارها شروع شد. همچنین ساسا، ارها گورنسان را محاربه کردند. در این میان با سدا رها دو عضو یک - دستگب کردند، که با اشراش مردم و برورود، مردم و دست - پس از انجام مراسم "سجرا و ترک گفتند."
 دما سفانده وجود دعا سب تا طمی کرده و ارتقا برکتنگسار، توده مردم در راه همسانی ها شرکت سرد و اس یکی ارتقا -

اطلاعیه درباره مبارزات ضد فئودالی دهقانان روستای جوگنگ - رامهرمز

بفرض زمین و ... شد. حاجی در برابر مبارزات دهقانان ایستاد و حتی با صادرات کشیده‌ای (سبلی) بگوش روستا زاده‌ای کوسید که غنچه حساب خودشان را بکنند و با تراشگذا رند. لیکن دهقانان مصرانه خواستار زمین شدند. سپاه پاسداران ما مستقر نمودن هشت هکتار زمین در روستا قصد تقسیم تمامی زمینهای حاج غلامرضا بهمینی (حتی زمینهای مزروعی وی در روستای "رودزرد") نمود. هشت و سپاه متترکا طرحی ریختند که مورد قبول حاج غلامرضا فرار نگرمت سپاه پاسداران ساچارا و واردستگیر و بعدت ۴ روز در رامهرمز زندانی کرد. لیکن پس از این مدت حاج غلامرضا از زندان آزاد و با مراجعه به ظایفهای از فامیلش و تسلیح آنان به سلاح گرم به روستا حمله و زمینها را پس گرفت. سپاه پاسداران و هیئت هفت نفره و ... که در برابر عمل انجام شده‌ای قرار گرفتند هیچ مداخله‌ای نیکند و بدین ترتیب جریان تقسیم زمین توسط ریش سفیدان مردود اعلام میشود و سپاه نیز دستور میدهد که فعالیت در این منطقه کثرت و رزی نکنند تا بعدیستیم چه میشود. اما دهقانان برخلاف فتوای ریش سفیدان و حکم سپاه پاسداران زمین را شخم و اقدام به کشت نمودند. کار تقسیم زمین نیز بدین منوال توسط خودشان انجام شد:

- ۱- خاکسوادها را اولاد جای کشت ۱۰۰۰ کیلوگرم
- ۲- خاکسوادها را کم اولاد جای کشت ۵۰۰ کیلوگرم
- ۳- برای خود حاج غلامرضا و خانواده‌اش جای کشت ۱۵۰۰ کیلوگرم کثرت جدا نمودند.
- بدین ترتیب جای کشت ۲۳۵۰۰ کیلوگرم کثرت و جوزیر کثرت میبرود. بجز جای کشت ۱۵۰۰ کیلوگرم کثرت حاج غلامرضا بهمینی لم بزخ میماند که از زمینها بوجود آمدن این شرایط زمینش را به پدرش سپرده و فدا خود و خانواده‌اش عازم شهر میشوند.
- پیروریا دسارزات دهقانان بر علیه فتوای لیس...
- مرحله گسوده ترا دیوندا انقلابیون با زحمتکشان شهر و روستا هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران - رامهرمز

الف - وضعیت عمومی روستا و مضمون استعمار
روستای "جوگنگ" در ۱۵ کیلومتری شهرستان رامهرمز قرار دارد. جمعیت این روستا حدوداً ۲۰۰ نفر است که به بیست و پنج خانواده تقسیم شده است. اکثر این خانواده‌ها در زمینهای حاصلخیز روستا زمینهای حاصلخیز را به بیست و پنج خانواده تقسیم کرده‌اند. زمینها را از سال ۴۲ به بعد بکمک آبیاری رژیم غاصب صاحب شدند. آنانکه معمولاتن به کار نمی دادند زمینها را بصورت نیمه کاری (نصفی) ریزی (پس همیسه برای کشاورزی) و دیون به دهقانان اجاره داده و بهره‌کشی فئودالی نموده و از دسترنج زحمتکشان روستا تغذیه میکردند. زمینهای این روستا معمولاً بصورت دسیسم کاری کشت شده و جای کاشت ۲۵۰۰۰ کیلوگرم کثرت و جو بیست و پنج حاج غلامرضا بهمینی فرزند محمدرضا بهمینی مسئولیت اجیر نمودن دهقانان را بطور مستقیم عهده‌دار شده و همه کاره روستا شد. وی که پیش از پیش طماع و درمدمسیره سرداری پس از از حد از روستا ثانی بود در حد فاصل روستای رودزرد و بخش همتکشان در منطقه شرکت نفت اقدام به احداث کوره آهک پزی نمود. شد. شتن زمین، دیم کاری زمینها برای ارباب و عدم آسایشی کثرت و رزان بطریقه کاشت و برداشت محصول و با لاف و کثرتی نبودن در آمد کثرت و رزی دهقانان را که قادر به تهیه ما بحتاج اولیسه زندگی خود نبودند مجبور شدند برای پاسخگویی به نیاز خانواده‌های پر اولادشان ناچار هم زمین را کاشته و هم در کوره بهر کار بر بردارند. تا بخیرال خود بدین وسیله بتوانند با سخگویی بسیار زندگی اشان باشند. کوره آهک پزی حاج غلامرضا بهمینی همیسه وسیله ایمنی، رفاهی و ... انداخت بلکه روستا ثانی را نیز با خطر جانی و بیرومی ساخت. حاجی که از این کار رنجور بود کثرتی به حبت زده بود و بیکار و رنجش و از آسایش پولش اقدام به تاسیس بیمه‌نگاری در احوال نمود و اینطور که منابع نزدیک نمانده‌اند اش اظهار میدارند که در آمریکا نیرضا حبت یک دستگاه بیمه‌نگاری بنویس است.

ب - مبارزات دهقانان برای زمین
پس از تقیام خویش بهمین ماه و از کار آمدن بیمه‌نگاریها و شرکتها، حاج غلامرضا فرصت را غنیمت شمرد و روستا با زحمتکشان ابتدا با نیرنگ و خوشرویی درمدمتسلطی چون و چوای خودسر زمینها را بدو چون ستوانت بدین کار فاسق اقدام به بردن تراکتور نمود و بخیرال خود میخواست کثرت تمام زمینها را شخم بزند و لیکن دهقانان ستمکش "جوگنگ" زیر بار نرفتند و اعلان داشتند که زمین را خودمان میکاریم و ستوا جا زه نمی دهیم مثل سابق با ما رفتار نکنی. حاج غلامرضا با شرارت اعلام کرد که زمینها را سال میخواست تا حالا به شما می دادیم ولی از حالا بعد نمی دهیم. دهقانان که از زور و جور و ستم فئودالی به تنگ آمده بودند می دیدند که تمام دسترنجشان به جیب ما حبت زمین و ارباب میبرود و کثرت ما خود زمینها را تقسیم میکنیم حاج غلامرضا بهمینی با کثرت ریش سفیدان و آشنایان ما سع کار شد. مبارزه دهقانان بدلیل عدم رهبری درست در مبارزات و نبودن اتحادیه دهقانان در روستا ستا مجبور به محدودیت در چها رجب سپاه پاسداران، هیئت هفت

مبارزه دهقانان منطقه عقیللی

بر علیه خوانین

اعلامیه جوانان
مسلمان کتوبند
که عیناً درج
نمیکردند

انورع لشارج و وکان عاصبا (امام صادق)
زمین آن زارع است اگر چه عصبی باشد
نرفته نشود آنها و ما نکسن علیه دهقانان زحمتکشان در منطقه عقیللی محکوم است.

فتوای روحانی است که با این روستا را توصیف کرده است
چون دهقانان زحمتکشان را می میکنند و با عارت دسترنج زحمتکشان
سودگی انگیز و از خود داده میدهند. استنها کدا و اسل انقلاب
در سوراخها خیزد و بدو دیوار شرم سات و سازنکاری لیسرا لیسرا
و دیگاری و همدستی برجستی با رسته حبت با زکشته اند تا
زندگی سگس خود را میدهد. چنانچه در عین خصوصاً در دهات
سیدان و سماله مشاهده میشود

قاسملو خود را لو میدهد!!

بقیه از صفحه آخر
ولی هیچگونه پشتیبانی خارجی
در یافت نمیداریم. (تا کیدات
از ماست)

اولا : قاسملو دروغ می-
گوید که حزب ایشان " هیچگونه
پشتیبانی خارجی " دریافت
نمیدارد. روابط حسنه و نزدیک
حزب دمکرات با رژیم قاسملو
بسیار است. عراق را چه میتوان
نامید؟ همکاران و همسویی و اتحاد
عملی و اقتصادی حزب دمکرات
کردستان را با گروه های
خفته علی قاضی (کوری
رئیس) چه میتوان نامید -
میدجز " پشتیبانی خارجی " آنهم
از طرف ابرقدرت آمریکا؟
وجود افسران ساواکی و شاهپوری
در کادر رهبری حزب و تشکیلات
نظامی آن را چه میتوان نامید
عوامل آمریکا برای نابودی
انقلاب... آیا اینها
" پشتیبانی خارجی " نیستند؟

ثانیا : جناب قاسملو
از کدامین " دولتهای خارجی "
انتظار پشتیبانی دارد؟ برای
جلب کدامین دولت خارجی رنج
سفر را بخود هموار کرده اند؟
و چرا از **پاریس**، مهد کمونیسم
و دانشمندیون سلطنت طلب و
" سوسیال دمکرات " !! سرد
آورده اند؟ جناب قاسملو در
اینجا اعتراف جالبی کرده و
چشمک دلگیری نیز به امپریا -
لیسها برده است : منطقه تحت
کنترل و افراد از **ایران** (حزب
دمکرات) و پشتیبانی سیاسی،
مادی و نظامی از **شما** (امیر -
بالیستها) . و برای همین در
مباحثه با " نیوزویک " بسیار

رک و رو راست احتیاجات خودشان
را میگویند : " ما میتوانیم از
سلاحهای پیچیده تری چگون
موثک استفاده کنیم . " تا سملو
این چنین یشتسانی خارجی
را انتظار دارد و برای همین
باید **پاریس** رفته است و در
آزای این " پشمایی " امیر -
بالیستها ، استقلال و آزادی
ایران را - که هیچگاه در پی اش
نشود - میدهد ! اگر چه حسوس
خیال شریف دارند ، ولی ما -
هیت واقعی و مزدور صفتان خود
را نمایش داده اند . ولی آیا
وقت آن نرسیده که برخی از
شیروهای سیاسی چنین مانیسز
به ما هیت واقعی آنها پی ببر -
ند و صفحات هفته نامه خود را به
اراجیف عوام فرمایانه این
مزدور اختتام ندهند ؟

اوج گیری بحران لیستان

بقیه از صفحه ۱۷
راه میدان کشیده است . این
چنین شرایطی در چکوسلواکی
۱۹۶۸ صادق نبود ، شوروی
در صورت تجاوز نظامی خود را
یک جنس عظیم و بیرو حوا ه
یافت ، نه با دو بیگ ۱۹۶۸ !
از طرف دیگر شوروی هم اکنون
با بحران دیگری دست و پنجه
نرم میکند ، آنهم تجاوز نظامی
به افغانستان است ، که بسر -
خلاف انتظار سرداران کرملین
بصورت سرق آساحل نگشت و
شوروی را در کامیک جنگ طولانی
فرورنده است . همچنین اوضاع
عمومی جهانی ، رشد تفا ده های
بین دو ابر قدرت ، رشد جنبش -
های انقلابی با ۱۹۶۸ تقابوت
بسیار دارد . تمامی این عوا -
مل تجاوز آشکار نظامی شوروی
به لیستان را برای خواناندن
جنبش عظیم در آن کشور با مشکلات
عدیده ای روبرو ساخته است .
شوروی فعلا امید بدان بسته
است که دولت لیستان بتواند

نامه يك رفیق دانش آموز (۱۱ ساله) به حقیقت

سلام ، ز سراز طرف یکی از هواداران دانش آموز (۱۱ ساله)
سرای " حقیقت " فرستاده شده است . همین رفیق دانش آموز
صلتی بالغ ۱۱ ساله ، ریال ارجانت خود و خواهر کوچکترش مسوان
کمک مالی به سازمان ارسال داشته و از این ساعت بسیار ساس
گزاریم . امیدواریم این رفیق کوچک ما و همه دوستان همکوش
در راه ارتقا آگاهی و اندیشه سیاسی خود ، همراهی و هم آوایی
با مردم و ما را زده ضیق کارگر آگاه کشور خویش برای آزادی ،
استقلال و سوسیالیسم همچنان کوشا باشند .

ص یکی از هواداران اتحادیه کمونیستها هشتمین دانش
آموز ۱۱ ساله هستم . خانه ما در اهواز است . الان که جنگ کشه
است به یک شهر دیگر رفته ایم اما من خیلی ناراحت هستم که در
اهواز رفته ایم خیلی دلم میخواهد در اهواز ساکن شوم و آنجا که می -
توانم به مردم کمک کنم اما یک کم از سرودها می نرسم و خیلی
ناراحت هستم که من چرا با بدترم ، من قبلا به مدرسه ای پیس
خانیان میرنتم دانش آموزان آنجا خیلی خوب بودند افکار
انقلابی داشتند می کردند افکار سازمان را بسن بچه ها بیسرم .
در شهری که هسرم روزنامه حقیقت را دیدم ، من کوشش میکنم
که افکار سازمان را بسن مردم بیسرم خیلی دلم میخواهد کار سیاسی
را شروع بکنم . البته قبلا هم مقداری کار سیاسی میکردم . خیلی
دلم میخواهد روزنامه مطالباتی با دیگران بگذارم . دلم میخواه
هدا علامه بخش کنم حتی اگر میتوانم شعار نویسی هم بکنم . وقتی
که اسم روزنامه حقیقت و اسم اتحادیه را می شنود صداقت را در
این سازمان می بینم . من تا آنجا که میدانم اتحادیه دوشهرهای
جنوب خیلی فعال است . بخصوص به مردمی که در شهرهای من
اهواز - آبادان - دزفول - اندیمک هستند خیلی کمک میکنم
مثلا شهید محمد امین اسدی که هوادار اتحادیه بود در جها دسا -
زندگی آسان کار دیگری نکردم مسئول بخش نرس بود . وقتی
که من فهمیدم چنین شخصی که اینقدر به مردم کمک میکرد شهید شده
است خیلی ناراحت شدم برعکس که سازمان پیکار به هواداران است
میگوید که با بدترها را تخلیه کنند و با در روزنامه اش مینویسد که
چگونه تبلیغ علیه جنگ بکنند و خلاصه خیلی مطالب دیگر . و حالا
نظرا زمان در مورد وضعیت کربش به گروهها و دولت و حزب جمهوری
و بسنی در صحبت میکنم . من به دلیلهای زیادی اس سازمان
را قبول دارم یکی موضع گیریش بر سر دولت و عمل دولت در مورد
آزادی گروهکها و خیلی مسائل دیگر . من فرما پول برای کمک
به سازمان میفرستم . دیگر صحبتی ندارم .

به امید پیروزی در جبهه های
جنگ
مرگ برای امپریالیسم
خصوصا امپریالیسم
آمریکا

بحران راپتت سرنگ ندارد . آمده عینا بدت در صورت
ولی در عین حال از نظر تبلیغات - لزوم و اجبار به این حرکت
نی اقدامات تجاوز نظامی را دست باز د .

حزب چماق بدستان

باید بیره گورستان

بقیه از صفحه آخر

شده از طرف رفقای ما را بخوبی مدگرفت و تکرار میکرد، ابتدا به شعراهایی که از طرف یکی دو نفر دیگر داده میشد توجهی نداشت. چرا که شعرا را صحیح و درست نمی دانست. این شعراها املا ربطی به این حرکت و موضوع مورد اعتراض مردمند. نت. این شعراها، شعراهایی از قبیل "شورا های واقعی..." یا "استقلال، آزادی، رهائی از سر تا پیه وابسته" بسود. مردم بد رستی دریافتند که تنها شعار سرگری و درست آن شعاری است که حزب چماق داران را هدف گیری کند و نه کلی گویی و سبب گویی باشد.

جمعیت انامه، تظاهرات خود را بطرف مرکز رادیو تلسون سروس افغان ادا میداد. در طول مسیر شعارهای انقلابی قبلی تکرار میشد. از دیگر شعراهایی که در این قسمت از راهبیمانی توسط رفقای ما مطرح گردید و مورد استقبال جمعیت قرار گرفت شعار "زندانی سیاسی آزادی را بدگسردد" بود که بعدها بشکل "زندانی سیاسی آزادی را بدگردد" این حزب آمریکاکی افشا باسد کرد "تکامل یافت. در زمان بل مرکز رادیو تلسون شعار "مدا و سیمای ما از انحراف حزبی آزادی را بدگردد" با ثبوت تمام داده میشد. حدوداً ۸۰٪ شب جمعیت با خشم و غضب تکه پاره های نابلوی دفتر حزب را بدون محوطه رادیو

تلسون حزب زده بر تاس کرد. آنچه که روز چهارشنبه در امفهان اتفاق افتاد اولس اعتراض بوده ای مد حزب و اعمال اسما و کرانه وابسته دظلمتی وی نبود و مطمئناً آخرین اعتراض هم بخواهد بود. اعتراضات سیاسی این چنین که نتایج آن در کشور چمفهان، مشهد، امفهان، تهران، دزفول و... رخ داده است همه حکایت از ایزاجا رندید مردم از حزب چماق داران، به عنوان حزباتی ارتجاعی و انحما رطلب، اخلاکگر، زسینه ساز کودتا، مستبد و سبک گلام انزجا رشید مردم از نیروی است که در طول دو سال گذشته بیشتر سن کوشش را برای لگد مال کردن دستا وردهای قیام پرشکوه بهمن داشته است. مردم انقلابی ما دیگر عزم خود را جزم کرده است و شعار سرنگونی این حزب را در عمل به اجرا در میآورد. بی شک میهن ما با موج عظیم مبارزات دیگر علیه استبداد دیگری رودر رو خواهد بود. همه نیروهای انقلابی و کمونیست، و همه آن "جستجویی" که از حرکت بوده ها بدور دنیا بستی بداندند که این تک جوشیای شونده ای طوفانی را درین خواهد داشت که نماز سبک رهبری انقلابی دارد. همه انقلابیون میبایست خود را برای چنین روزی متحد و آماده کنند.

نیروهای دیگری چون توده ای ها و اکثریت همین قدر برای شان کافی است که توده مردم آنها را هر دیکر حزب جمهوری و چماق داران قرار می دهد و در امفهان نیز شعراهایی مبتنی بر همکار سهای توده ای و اکثریت داد. اس حسینی است عاصم راست روی و وزیر بونسم. اسما به اس خا ندر مورد آماج حمله مردم قرار نگرفت، چون موضع کمونیست و حرکتشان برخلاف مردم است. نیروهای عا و روشرا بدعوش باشند و اگر میخواهند که همچون

اوج گیری بحران لهستان

بقیه از صفحه آخر

بحران لهستان نشاندهنده احتفاظ کامل رومیز و خروجهی است که ما عرضه خود را از آن کارگرای سوسیالیست کشورها، و محمله احزاب کشور های سوسیالیستی، این احزاب را به احزاب بورژوازی و این کشورها را بد کشورهای سرمایه داری تبدیل نمود. بحران لهستان نشاندهنده آنست که "اردوگاه سوسیالیستی" کدانی از نقطه نظر ما هست یا اردوگاه سرمایه داری غرب هیچ تفاوتی ندارد. و با عنن بحران عمومی اعتمادی - سیاسی در سطح جهان، این کشورها بیره گام آن کتیبه شده اند.

ایر قدرت آمریکا و متحدان اروپایی اش نیز کوشش بسیاری مینمایند تا از بحران سیاسی موجود در لهستان برای نفوذ یابی خود در این کشور و تضعیف جبهه رتیب و سوسیال امیر - مالیم شوروی استفاده کنند. سیاست تاکتیکی امیر مالیم آمریکا در مورد بحران لهستان در شرایط کنونی اهداف مرحله ای در گانه ای را دنبال می کند: اولا ورود نیروهای نظامی شوروی به لهستان جلوگیری کنند. امیر مالیم آمریکا در موقعیتی قرار ندارد که در صورت اقدام نظامی شوروی به مقابله به مثل بپردازد و بنابراین ارهم اکسون در هماهنگی و همسویی با متحدان اروپایی اش فقط اعلام کرده است که در صورت شما و رتیب سیاسی شوروی به لهستان به قطع روابط اقتصادی و سیاسی دست خواهد زد. "او (الکساندرسک - وزیر امور خارجه آمریکا)

بحران لهستان نشاندهنده احتفاظ کامل رومیز و خروجهی است که ما عرضه خود را از آن کارگرای سوسیالیست کشورها، و محمله احزاب کشور های سوسیالیستی، این احزاب را به احزاب بورژوازی و این کشورها را بد کشورهای سرمایه داری تبدیل نمود. بحران لهستان نشاندهنده آنست که "اردوگاه سوسیالیستی" کدانی از نقطه نظر ما هست یا اردوگاه سرمایه داری غرب هیچ تفاوتی ندارد. و با عنن بحران عمومی اعتمادی - سیاسی در سطح جهان، این کشورها بیره گام آن کتیبه شده اند.

سوده ای ها و اکثریت به لحسن کسبه سوسیالیستی همواره و هنگام مردم همسازان بر خورند.

اعمال کمونیستهای اسرار امنیهان ۵۹/۱۲/۶۶

